

فرهنگستان

www.fdn.ir | Sun | 12 Jul 2020 | vol.12 | No. 3082 | 16 Pages

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستانها و واحدهای
دانشگاهی ۵۵۰ تومان

شماره مسلسل ۳۸۲۰
بکشنه ۲۲ تیر ۱۳۹۹
۲۰ ذیحجه ۱۴۴۱
۱۲ جولای ۲۰۲۰
شماره ۳۰۸۲

برجام؛ موزه عبرت

۵ سال از امضای برجام گذشت، دولت روحانی ایران را در چه وضعیت سیاسی و اقتصادی قرار داده است؟



طراح: ارشد شرفی، فرهنگستان

یادداشت

ما و میراث «تقریبا هیچ»

عبارت کوتاه، عملا امکان گشایش در روابط بانکی ایران پس از برجام محدود و محصور نگه داشته شد و این خود عاملی برای فقدان تاثیر اقتصادی برجام بود. یا در مثالی دیگر مکانیسم حل اختلاف که هم در برجام و هم در قطعنامه ۲۲۳۱ آورده شده، گویای این است که پذیرش عجیب و غریب فرآیند «اسنپ-بک» نه تنها توافق را سست کرده که گرفتاری‌های زیادی را هم برای کشور پدید آورده و حتی ممکن است اندک آورده‌های برجام برای کشور را هم در ماه‌های آینده از بین ببرد. البته کارشناسان بارها در مورد ایرادات متنی توافق هسته‌ای توضیحات مسوولی داده‌اند که بازگویی آنها مثنوی هفتادمن خواهد شد. خلاصه آنکه این عدم توازن باعث شد در دوران حیات برجام و حضور باراک اوباما در کاخ سفید عایدی «تقریبا هیچ» برای کشور پدید آید و امروز هم که ترامپ از توافق خارج شده، تحریم‌های سنگین و بی نظیر تاریخی علیه کشورمان اعمال شود.

نسبت ما با تهمانده برجام چیست؟

حالا ما یک سوال کلیدی مطرح است: اینک نسبت ما با همین اندک توافق باقی مانده و روبرو احتضار چیست و باید چه رویکردی را در قبال آن داشته باشیم؟ نگاه به وضعیت کنونی چه در سیاست داخلی و چه در فضای بین‌المللی نشان می‌دهد چاره‌ای جز صبر و کنار آمدن کج‌دار و مریز با توافق هسته‌ای نداریم. از یک طرف به همان دلایلی که در بالا تشریح شد، یعنی ضعف توافق و مکانیسم غلط حل اختلاف، خروج از آن تبعات حقوقی و سیاسی سنگینی برای کشور به دنبال دارد و از طرف دیگر دولت همچنان کورسوی امیدی دارد و می‌گوید ممکن است اندک آورده احتمالی یعنی رفع تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل در اواسط مهرماه محقق شود و لذا فعلا چاره‌ای جز تحمل وضعیت کنونی نیست، هرچند باید توامان برای کاهش تبعات آن و بازیابی توان هسته‌ای تلاش کرد. ماجرای سایت شهید احمدی روشن نظیر نشان داد توان هسته‌ای همچنان گزینه بازدارنده ارزشمندی برای کشور است و نباید به هیچ قیمتی آن را از دست داد.

آینده سیاست در ایران و چند نکته

موضوع آخر که شاید مهم‌تر از چندمساله تشریح شده در سطور بالا باشد، این است که امروز برجام به‌عنوان یک تجربه تاریخی و بسیار پرهزینه مقابل ما قرار دارد. مدافعان آن یا به عبارت بهتر مدافعان رویکرد برجامی، اما ساکت نیستند و از قضا ترفندهای رسانه‌ای خوبی هم برای مواجهه با افکار عمومی در دست دارند، ترفندهایی که حتما در آینده سیاسی کشور مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به یاد بیایید روزهایی را که حسن روحانی یا ساختن یک رقیب فرضی و رقابت با آن، مدام می‌گفت عده‌ای می‌خواهند دور کشور دیوار بکشند، مخالف ارتباط با دنیا هستند و نمی‌خواهند مشکل اقتصادی کشور حل شود درحالی که هیچ‌کسی در کشور به چنین چیزی معتقد نبود و حتی از آن حرف هم نمی‌زد. پیش‌روی ما، هم انتخابات ایالات متحده قرار دارد و هم انتخابات ریاست جمهوری

کشد. در این میان اما نکته مهم این بود که مذاکره و توافق از نظر دولت روحانی تفاوتی بزرگ با نظر کلان حاکمیت ایران داشت. دولتی‌ها علاوه بر حل مشکل اقتصادی به توافق با غرب به‌عنوان یک پروژه سیاسی هم نگاه می‌کردند، پروژه‌ای که دوام آن‌ها را تضمین کند و بتواند به‌عنوان ابزاری برای پیروزی در سیاست داخلی مورد استفاده قرار گیرد. با وجود اینکه گفته می‌شد برجام نظر کلان نظام بود، اما واضح و مشخص بود که مجری، بخش عمده‌ای از نظرات خود را در میدان عمل اجرا کرده است، نکته‌ای که مستقلا عاملی برای ایجاد فاصله‌ای معنادار میان خواست نظام و خواست دولت به‌شمار می‌آید. همین اصرار بر تحقق ایده مجری مذاکره کنندگان هم بود که باعث شد از منافع ملی برای تکمیل و تحقق یک پروژه سیاسی هزینه شود، یعنی برای اینکه منافع داخلی دولت برآورده شود، به‌جای تلاش برای توافق خوب و تأمین‌کننده منافع ملی، ایده «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» شکل گرفت.

دوقطبی جعلی و هدررفت منافع ملی

البته نباید فراموش کرد در مقابل تیم دولت، منتقدانی حضور داشتند که با کتش سیاسی ناشیانه خود در نقطه‌ای قرار گرفته بودند که مردم گمان می‌کردند آنها مخالف هرگونه توافقی با غرب هستند و «توافق نکردن» را در هر شرایطی بهتر می‌دانند. در این موقعیت هر روز که می‌گذشت دوقطبی دولت با منتقدان سنگین‌تر و چالشی‌تر می‌شد و به‌جای اینکه یک دوقطبی منصفانه و منطقی یعنی «توافق خوب-توافق بد» مساله جامعه‌باشد، «توافق-عدم توافق» موضوع اصلی و شرایط برای مذاکره کنندگان فراهم شد تا با عجله تمام و استفاده از همه ابزارها (حتی ذبح منافع ملی) به سمت امضای برجام قدم برداشته شود.

بعید است تا سال‌ها بعد کسی فراموش کند که حسن روحانی حتی آب خوردن مردم را هم به توافق گره زد و محمدجواد ظریف از آمریکا غولی ساخته بود که اگر دست به ماشه ببرد، کل سیستم دفاعی کشور فرو می‌ریزد.

تعمیل دولت برای توافق و ایده «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» کار را به جایی رساند که محمدجواد ظریف تنها با بخشی از حزب دموکرات در آمریکا توافق کرد، توافقی یک طرفه، نیم‌بند، ضعیف و فاقد هرگونه ضمانت اجرایی، به گونه‌ای که ایران هر آنچه داشت در همان فاصله تیرماه تا دی ماه تقدیم کرد و منتظر ماند تا در سال‌های بعد آمریکا و اروپا به تعهدات‌شان عمل کنند. سراسیمگی، بی‌میلانی و بی‌توجهی به نظر کارشناسانی که همان موقع بارها درباره آینده امضای چنین توافقی هشدار داده بودند، باعث شد امضای وزیر امور خارجه پای توافقی سستی بنشیند که چندماه بعد با یک تغییر سیاسی در کاخ سفید از اساس نابود شد. خروج ترامپ از برجام به‌هیچ‌عنوان امر غیرقابل پیش‌بینی و غیر قابل تصویری نبود، چرا که بارها از جمله در جلسه معروفی که مرداد آن سال در شورای روابط خارجی برگزار شد، کارشناسان این موضوع را به محمدجواد ظریف و همکارانش گوشزد کردند، اما آنها از شنیدن و قبول این انتقاد درست، طفره رفتند.

توافق روی متنی ضعیف و بی اعتبار

البته ضعف‌های برجام به ناپدید انگاشتن چنین فرضیه‌ای محدود نمی‌شود، چرا که نگاه به متن توافق گویای ایرادات بسیار بزرگ و قابل توجه است. متن برجام با وجود تبلیغات دولتی‌ها به مراتب ضعیف‌تر از آن چیزی است که حتی برخی منتقدان از آن یاد می‌کنند. برای مثال تحریم‌ها هرگز در برجام رفع نشد، ریشه آن هم در پی نوشت ۱۶ پیوست دوم توافق هسته‌ای است، جایی که با چند



علی جمشیدی
دبیر گروه سیاسی

۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۱+۵ در وین امضا شد، توافقی که پیش‌نویس آن چندماه پیش در لوزان به تأیید طرفین رسیده بود و در دهه سوم تیر به‌صورت جامع، مکتوب و امضا شد. گفتن در مورد برجام چندین دشوار نیست، مخصوصا حالا که به یک تجربه تاریخی بدل شده، اما الزاما این گفتن‌ها و حتی ارائه دوباره یک ارزیابی تحلیلی، عمیق و تخصصی نمی‌تواند گره گشای وضعیت کنونی باشد، مگر اینکه از آن درسی گرفته شود برای ادامه تاریخ، برای آینده و برای نسل‌هایی که می‌خواهند بدانند یک ماجراجویی سیاسی و خوش‌خیالی مفروضه هزینه‌هایی به کشور تحمیل کرد و ایران از کجا به کجا رسید. در پنجمین سالگرد امضای توافق هسته‌ای نگاه می‌کنیم به فرآیندی که از انتخابات سال ۹۲ در ایران آغاز، در جریان تبلیغات توریزور و پس از تشکیل دولت عملیاتی شد.

آنچه گذشت از ۹۲ تا ۹۷

در فضایی ملتپه‌ب‌په‌ویزه از منظر اقتصادی در سال‌های ۹۱ و ۹۲، موعدهای زمین در دوره انتخابات ریاست‌جمهوری فرارسید. آرایش سیاسی و رسانه‌ای حاضران در میدان رقابت در نگاه مردم سه‌راه متفاوت را تصویر می‌کرد؛ مسیر روحانی، مسیر جلیلی و مسیر قالیباف.

نفر اول یعنی حسن روحانی با یک ساده‌سازی بزرگ در مفاهیم به میدان آمد، او از همان روزهای ابتدای تبلیغات، دو راهبرد اصلی در دستور کار داشت. ابتدا گره‌زدن مساله اقتصادی به پرورنده هسته‌ای و موضوع سیاست خارجی و سپس ارائه راه‌حل تکراری قبلی برای مسائل و چالش‌های بین‌المللی، یعنی نسخه روزآمد شده تنش‌زدایی در سیاست خارجی که حالا شده بود: «کنار آمدن و توافق با کدخدای

چهار یا همان آمریکا» شعار کلیدی «هم چرخ ساختن فریبور بچرخد، هم چرخ زندگی مردم» هم خلاصه شده فضای رسانه‌ای بلندمدتی بود که سال‌ها در جامعه ایرانی اجرا شده و حالا یک کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری که از قضا سابقه مذاکراتی و مرتبط با این ماجرا را هم در کارنامه داشت چنین ادعایی را تکرار و نسخه تعامل با آمریکا را یگانه راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور عنوان می‌کرد.

در مقابل سعید جلیلی که نماد ادامه دولت احمدی‌نژاد شده بود با یک ناپایداری سیاسی نتوانست از ایده خود در موضوع سیاست خارجی به‌درستی دفاع کند و حتی آن را به نقطه ضعف خود تبدیل کرد.

محمدباقر قالیباف ضلع سوم انتخابات هم، هرآنچه تلاش کرد توضیح دهد که با اتکا به توان داخلی می‌توان مشکلات را حل کرد، نتوانست بر رقیب حرفه‌ای خود در مناظره و خطابه فائق شود و زمین گیر چند تک و پاتک سیاسی و رسانه‌ای شد. در چنین فضایی، دوقطبی بزرگی میان جلیلی و روحانی شکل گرفت، یکی نماد تداوم وضع موجود و مخالف تعامل با جهان و دیگری نمادی تغییر، مذاکره و حل مشکلات با همان مفهوم ساده‌سازی شد و خب نتیجه هم از قبل قابل پیش‌بینی.

مذاکره به‌مثابه یک پروژه سیاسی داخلی

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات، فضا برای پیشبرد ایده یادشده فراهم آمد، از همان روزهای اول، مقدمات مذاکره با روش و افراد جدید تدارک دیده شد و به‌سرعت محمدجواد ظریف با اختیارات قابل توجه از جانب حسن روحانی مذاکرات را آغاز

۱۴۰۰ و اگر قرار باشد برخی منتقدان بابت تدبیری خود دوباره به گونه‌ای رفتار کنند که فضای فعالیت رسانه‌ای «امیدواران به غرب» پدید آید، باید دوباره انتظار برگشتن ورق و غالب شدن برجام یا مشابه آن بر مردم را در گوشه‌ای از ذهن نگه داشت. این تقابل میان منتقدان امیدواری به غرب و حامیان آن حتما در بزنگاهی مانند انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا هم تکرار خواهد شد چنانچه امروز هم این چالش وجود دارد.

امیدواران به غرب می‌گویند با تغییر دولت در ایالات متحده امکان تغییر در برجام و پس از آن مناسبات خارجی و اقتصاد ایران وجود دارد. این جریان آنقدر در این مسیر پرشتاب است که حتی در این روزها و ماه‌ها ابایی ندارد تیتراژ رسانه خود را به دفاع از کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات آمریکا اختصاص دهد، گویی که در نقش ستاد انتخاباتی جویباین در تهران فعالیت می‌کنند. البته پرواضح است که این امیدواری و تحلیل بی‌منا که اگر بایند بیاید آمریکا به برجام باز می‌گردد هم حتما غلط خواهد بود، چرا که بازگشت دولتی دموکرات به‌هیچ‌عنوان مساوی بازگشت ایالات متحده به توافق هسته‌ای و نقطه اول آن نخواهد بود.

چرا منتظران بایدن آب در هاون می‌کوبند؟

اول راهبرد کلان سیستم حاکم بر آمریکا اعم از قوه مجریه و کنگره در این کشور یکسان است و همگی آنها نظر واحدی درباره ایران دارند. این وحدت نظر را می‌توان از طرح‌ها و امضاهای ضدایرانی این روزهای آنها فهمید. دموکرات‌ها در کنگره اگر از جمهوری خواهان تندتر نباشند، کندتر نیستند. همین چندی پیش بود که دموکرات‌های کنگره جلوتر از جمهوری خواهان خواستار تغییر مواججه ترامپ با موضوع تحریم‌های تسلیحاتی ایران شدند و از کاخ سفید خواستند با شدت عمل بیشتری در این زمینه اقدام کند.

دوم جو بایدن و تیم او از همین حالا آب پاکی را روی دست مدافعان شان در ایران ریخته‌اند. همین چند روز پیش بود که «آنتونی بلینکن»، مشاور ارشد جو بایدن در نشست مجازی «کمیته یهودیان» آمریکا تاکید کرد اگر نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شود همه تحریم‌ها علیه ایران را حفظ خواهد کرد.

سوم آمریکا یک بار هزینه خروج از توافق هسته‌ای را پرداخت کرده و حالا به نقطه‌ای رسیده که بازگشت برای هیچ حزبی در آمریکا به‌صرفه نیست. لذا واضح است که کمتر سیاستمداری در ایالات متحده حاضر باشد یک بار دیگر چنین هزینه‌ای را پرداخت کند و به برجام بازگردد.

چهارم ترامپ و تیم او امروز با برجام کاری کرده‌اند که اولاد در سیستم حاکم بر ایالات متحده به‌سادگی امکان بازگشت به نقطه قبلی وجود نداشته باشد و ثابا در ایران کسی قبول نکند بدون جبران گذشته چنین اتفاقی رخ دهد و همه چیز عادی شود. لذا ساده‌انگاره‌است که جریانی در کشور همچنان ایده سال ۹۲ را امید به تعامل با آمریکا را در ذهن داشته باشد و تصور کند می‌تواند ولو به همراهی بخشی از جامعه، از این مسیر توفیقانی به دست بیاورد.

تخلیه سیمکارت‌های اعتباری
فاقد کارکرد
رجوع به صفحه ۶
هلاولک

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان
WWW.FDN.IR
فرهنگستان
@farhikhtegandaily